

تطور تاریخی و پیش‌انگاره‌های نظریه اصالت وجود

تحلیل خواجه نصیرالدین طوسی

هاشم قربانی*

چکیده

نظریه اصالت وجود یا ماهیت در اندیشه‌های پیشاصدرایی هرچند دارای طرحی نظام‌مند نیست، اما استوار بر پیش‌انگاره‌هایی است که کشف آنها رویکرد اندیشمندان مسلمان را در ترسیم مسئله روشن می‌سازد. خواجه نصیرالدین طوسی، مواضع معرفتی خود را در برابر آن پیش‌انگاره‌ها تبیین کرده است. در این جستار، به برخی از پیش‌انگاره‌های اصالت وجود یا ماهیت در تصویرسازی طوسی پرداخته شده است. براین اساس: (۱) مسئله زیادت وجود و ماهیت و چگونگی آن، (۲) شناساندن ارتباط وجود و ماهیت، (۳) جایگاه تحقق این ارتباط: خارج یا ذهن؟ و (۴) مصداق‌سنجی تحلیل یاد شده و تحقق‌داشت ماهیت و وجود در خارج یا تأکید بر تحقق انحصاری

* استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین؛ ghorbani90@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۵/۱/۲۲ تاریخ تأیید: ۹۵/۳/۱۱



یکی از آن دو، از این پیشفرضها محسوب میشود. طوسی با تحلیلهای خود در هریک از مواضع یادشده رویکردی اخذ میکند که میتوان همسویی یا عدم‌واگرایی او را با اصالت‌بخشی به وجود نشان داد. از اینرو، هرچند نظریه اصالت وجود بعنوان یک مسئله برای طوسی مطرح نبود، اما پیش‌انگاره‌های معرفتی او در باب وجود و ماهیت سازگار با این نظریه است. خط سیر ارتباطی طوسی - صدرایی را میتوان با تبیین مواضع طوسی در باب آن پیش‌انگاره‌ها و تأثیر او بر ملاصدرا تحلیل کرد.

کلیدواژه‌ها: خواجه طوسی، تطور تاریخی، پیش‌انگاره، اصالت یا اعتباریت وجود و ماهیت

* * *

طرح مسئله

پیشینه مسئله «اصالت و اعتباریت وجود/ماهیت» استوار بر پیشفرضها، مبانی و تحلیلهای خاصی از وجود و ماهیت است که کشف آنها در فهم دگردیسی تاریخی این مسئله ضروری است. رویکرد خواجه نصیرالدین طوسی بدین امر، جایگاه تاریخی او را روشن میکند. این مسئله، در آغاز توسط میرداماد طراحی شد. او از میان این دوگانه، اصالت را به ماهیت داد. این طراحی بمعنای مسئله‌سازی نوین در فلسفه اسلامی است، اما این مسئله، سابقه تاریخی در اندرون مسائل پیشین دارد. باعتقاد استاد مطهری تا عصر میرداماد و ملاصدرا سخنی از اصالت یا اعتباریت وجود/ماهیت مطرح نبوده است. برپایه گزارش استاد مطهری، میرداماد برغم داشتن صبغه مشائی در اندیشه‌ها و نظام معرفتی، از اصالت ماهوی جانبداری میکرد و سپس ملاصدرا در گام دوم حیات فکری خود، از مرحله پذیرش اصالت‌دادگی به ماهیت به مقام وارheidگی و گذر از آن و دستیابی به اندیشه اصالت‌بخشی به وجود رسید.^(۱) یزدان‌پناه طرح این مسئله را به شیخ اشراق نسبت میدهد و معتقد است در فلسفه او این بحث آمده است.^(۲) استاد مطهری برخلاف وی، معتقد است در هیچیک از کتابهای سهروردی مسئله اصالت وجود یا ماهیت مطرح نیست و اینکه از بین هستی و چیستی یکی را باید انتخاب کرد، اساساً برای شیخ اشراق مطرح نبوده است.^(۳) در مقام داوری میتوان اذعان داشت بسیاری از پیش‌انگاره‌های مسئله اصالت وجود/ماهیت در اندیشه اندیشمندان مسلمان حضور داشته است؛ هرچند به مقام طرح

